

متن پرسش

۶۶۳- سلام استاد عزیز من جوانی ۲۵ ساله هستم که به پیشنهاد خانواده با دختری ازدواج کردم اما شب خواستگاری سر سوزن از زیبایی همسرم خوشم نیامد اما ایمان حقیقی او مرا بر آن داشت که با او ازدواج کنم و به خدا گفتم خدایا خودت این مشکل را حل کن اما حالا بعد از چند سال زندگی عدم زیبایی خانمم مرا دچار خیلی مسائلی کرده که جانم را به لب رسانده از خدا دور شدم صبرم کم شده درسم ودانشگاهم دچار توقف شده اما از طرفی دل به همان حرف خودم با خدا بسته ام و از طرفی حاضر نیستم که دل خانمم را بشکنم و از او جدا بشوم چون او که گناهی نکرده که به این سرنوشت دچار شود این انتخاب من بوده که حال و روزم را به اینجا کشانده استاد سخت از همه این که من چند سال است که به او می‌گویم دوستت دارم و این تظاهر دروغی دیوانه‌ام کرده چون سخته به زبان چیزی را بگویی که دلت درست مقابل آن است اما دلم حاضر نمی‌شود قلب او را بشکنم این‌ها همه به طرف از خدا هم شدیداً دور شدم چون اطرافیان خانمم به مراتب زیباتر از خانمم هستند و برای من جلب توجه می‌کنند عنان نفس از دستم در رفته و در وادی شهوت و گناه غرق شدم و این ازدواج نه تنها دینم را کامل نکرد که همه چیزم را بر باد داد دینم رابطه عاشقانه ام با خدا درسم و همه و همه را از دست دادم اما حاضر نیستم به خانومم حقیقت را بگویم و چون می‌دانم او برای همیشه خرد می‌شود با خود می‌گویم تو دیگر خرد شدی کافیتست چرا او که گناهی نکرده را به سرنوشت خودم دچار کنم او که نباید چوب تصمیم من و سخنم با خدا را بخورد اما گاهی آنقدر ای حقیقت جانم را به لب می‌آورد که می‌خواهم همه چیز را بگویم اما باز صبر می‌کنم خلاصه استاد با این ازدواج زیان‌دیده دنیا و آخرت شدم دنیا جهنم آخرتم را بر باد دادم چون مبتلا به یکسری از گناهان چشم شدم حال در اوج ناامیدی از شما کمک می‌خواهم چون حدود ۵ سال قبل از ازدواج تفسیر قرآن شما که از جانتان بر می‌خواست مرا با آسمان بیوند می‌دادید و هنوز خاطره آن ایام فراموشم نشده استاد خواهش می‌کنم کمک کنید اما نه با نصیحت و دوری از گناه و صبر و توکل که عنان نفس از دستم به در رفته عقده ای در دل نهان دارم که روح و جسمم را فرسوده آیا خدا با این همه گناه هنوز به آن شرطی که با کردم واقعی می‌نهد اصلاً آیا از اول خدا توجهی به من و سخنم داشته بود یا من با جهل خودم کار را به اینجا کشاندم استاد با روح متاله خود کمک کنید نه با صبر و.....

متن پاسخ

باسمه تعالی، علیک السلام: عموماً بعد از ازدواج زیبایی‌های اولیهی همسران برای همدیگر عادی

می‌شود و اگر سعی نکنند از زاویه‌ی دیگر به همدیگر نظر کند و چشم بر زیبایی‌های مردان و زنان دیگر بیندازند، هرگز متوجه گوهر شخصیتی همدیگر نخواهند شد. رسول خدا «صلواة‌الہوعلیہ» به اصحاب توصیه می‌کردند؛ آنچه در زنان دیگر می‌بینید در همسران خودتان هست. جناب‌عالی بدانید که روح مرد نیاز به گوهر زن بودنِ زن دارد که همان گوهر بوده که جسم زن را به آن صورت خاص در آورده که مرد نسبت به آن گرایش دارد. اگر همت کنید و به گوهر زن بودن همسران توجه کنید و بدن او را از آن زاویه بنگرید درست همان چیزی است که شما می‌خواهید، به شرطی که آزاد نگاه کنید و خود را در موقعی که به بدن همسران می‌نگرید، گرفتار مقایسه‌های ذهنی نکرده باشید. همین همسری که دارید همان گوهری است که می‌خواهید، درست نگاه کنید. موفق باشید